

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

با همین گوشی توی دستم؛ زوم کردم روی چهره مصومش در گوشه سمت چپ و بالای آگهی ترخیص که حالا دارد در فضای مجازی دست به دست می چرخد.

می گویند این بچه بوشهر و این بچه بندر و این پسر یازده‌ساله، به دلیل نداشتن یک گوشی خود کشی کرده است، آن هم با طناب دار. یعنی به جای اینکه غرق جهان بی غل وغش خودش باشد و به روزهای زیبای آینده‌اش فکر کند، به مرگ فکر کرده و به خلاص شدن از زندگی. یعنی در سر و قلب کوچکش چه گذشته که در یازده‌سالگی به فکر رهایی و رهاکردن خودش افتاده است؟ مادرش می گفت: «فقط خدا می داند.»

● غمی ازجنس این روزها خبرش خیلی زود پیچید. یک دانش آموز یازده‌ساله بوشهری به دلیل نداشتن گوشی هوشمند خودکشی کرده و خودش را دار زده است؛ پسرِی از اهالی بندر دیر. خبری که شاید در وهله اول کمی شک‌وشبیه به جان آدم بیندازد، اما باین حال چندان دور از ذهن هم نمی تواند باشد. به ویژه وقتی به یاد می آوریم داستان کولبر چهارده‌ساله‌ای که با آرزوی داشتن یک گوشی هوشمند، سختی کولبری و راه‌های دشوار را به جان می خورد و در همین راه از قلعه آرزوهایش سقوط می کند و با صورت زخمی روی بیمارستان می‌شود یا به خاطر می آوریم آه‌وفغان مادری را که در همین حاشیه‌مشهد زندگی می‌کردو قید غرورش را زده بودو می‌گفت پول تهیه گوشی برای فرزندم را ندارم. حالا داستان محمد هم شاید بنشیند کنار همین‌ها. کنار کرونا و آموزش مجازی و غم‌هایی که نرم‌افزار شاد انداخت به

جان خانواده‌های زیاد و شد غصه‌ای روی غصه بی‌پولی و نداری این روزها. ● سرانجام گوشی‌ای در کار بوده است یا نه؟

بعد پخش این خبر، روابط عمومی آموزش و پرورش شهرستان دیر خیلی سریع دست به کار شد؛ اسکرین شات‌هایی را از چت معلم محمد با او منتشر کرد که می گوید ادله‌ای است برای نفی این داستان. از بیخ‌وبن تکذیب کردند این قضیه را و همچنین بیان کردند مستندات ارائه‌پذیر دیگری هم وجود دارد. در بخشی از این تکذیبیه نوشته‌اند: «نامبرده از روز بازگشایی مدارس

در ۱۵ شهریورماه تا روز حادثه بنا به درخواست ولی دانش آموز باتوجه‌به شرایط متأثر از کرونا در مدرسه حضور نداشته و کار آموزشی خود را از طریق شبکه‌شاد با تلفن همراهی که شخص مدیر مدرسه در فروردین ۹۹ به ایشان اهدا کرده بود، تا آخرین ساعات روز حادثه در سامانه شاد به صورت فعال و در کلاس‌های درس مجازی آنلاین انجام می‌داده که تمام مستندات ازجمله فایل‌های صوتی و تصویری و تکالیف و تمرین‌های درسی دانش آموز در گروه درسی موجود است.» و در ادامه از ایین گفته

است که محمد جزو دانش آموزان کم‌برخوردار بوده و به‌صورت مکرر از سوی مدرسه و انجمن اولیا و مربیان آموزشگاه حمایت می‌شده است و خانواده محمد هم می‌توانند این موضوع را تأیید کنند. نکته‌ای که البته صوت‌های منتشرشده از سوی مادر محمد در مصاحبه با رکتا، نه تنها آن را تأیید نمی‌کند، بلکه در جواب سؤال خبرنگار مبنی بر اینکه آیا از سوی مدرسه حمایت مالی می‌شده است، می گویند: «نه، کمک مالی نشده. قول داده بودن که گوشی بدن، ولی ندادن.» این تکذیبیه البته از جانب مردم هم

آموزش و پرورش شهرستان ماجرا را تکذیب کرده اما مادر دل‌سوخته روایت دیگری دارد

«شاد»؛ متهم شماره یک

درباره چرایی درگذشت مبهم محمد پسر ۱۱ساله ساکن شهرستان دیر



واکنش‌هایی داشت. کاربری نوشته بود: «عجب مستداتی! بیابن من الان به اسم هر کسی می‌خوانین تو تلگرام پیام بدم و چت کنم و اسکرین شات هم براتون بذارم.» باین حال، این تمام قضیه نبود. همچنان شک وشبهه‌هایی در باره صحت‌وسقم این ماجرا وجود دارد و اینکه آیا اصلا علت این مرگ واقعا تقاضا برای یک گوشی همراه بوده است یا نه. کاربر دیگری هم در این میان به نکته‌ای دیگر اشاره کرده بود و گفت: «فراموش نکنیم خانواده و مدرسه موظف‌اند بچه را تربیت کنند تا ارزش حیات را درک

کند و تصمیم هیجانی نگیرد.» حتی کاربرانی دیگر در صحبت با شهروندان دیری نوشته‌اند که «براساس شنیده‌ها از سوی پدر محمد و نزدیکانشان، محمد موتورسیکلت می‌خواسته است و در این شهر ستان پسرها از بچگی سوار موتور می‌شوند.»

● میهوت، محزون و داغدار در این میان دل‌نوشته‌ای هم از جانب معلم این کودک در فضای مجازی منتشر شد که صحت‌وسقم آن هم مشخص نیست. در بخشی از این متن آمده است: «پیام سیدمحمد را دیدم که می‌گفت: اجازه، گوشی من خرابه، اجازه، گوشی من عکس نمی‌گیره، فیلم نمی‌فرسته.» وبعد صحبت‌های از سر دل‌تنگی که برای محمد به زبان آورده است. متن دل‌سوزانه‌ای که البته مادر محمد به‌نوعی دیگر آن را به زبان آورده، اینکه وقتی محمد به معلمش می‌گوید گوشی خراب است و نمی‌تواند چیزی بفرسند و معلمش برعکس، واکنش همدلانه‌ای نشان نمی‌دهد و می‌گوید: «برو به بابات بگو، به من چه؟!» وقتی خبرنگار از مادر محمد می‌پرسد: «محمد مشکلس چی بود؟ گوشی می‌خواست؟» مادرش می‌گوید: «اره، گوشی می‌خواست. گوشیمون خراب بود، نه صدا می‌رسوند، نه عکس می‌گرفت.» صحبت‌های مادرش اما همین جا تمام نمی‌شود و می‌گوید محمد هیچ‌وقت از این قضیه برای ما حرف نزده بود. فقط شب قبل از من خواسته بود برایش رنگینک درست کنم. شب هم خواست پیش من بخوابد. خواست برایش لالایی بخوانم و «من چه می‌دانستم که بچه‌ام می‌خواهد بی‌وفایی کند.» می‌گفت: «هر چه در زدم در رو باز نکرد. صدا زدم، صدام رو هم نشنید. بعد دیدم جان به جان افتاده توی آشپزخونه، با صورت کبود.» به محمد می‌گویند، پسر بزرگم، پسری که فقط ۱۱ سال داشته است واز حالا به‌بعد دیگر کنارش نیست.

ابراهیم حیدری | عکاس

@ebrahimheidari

عمل جراحی آب مروارید ۲چشم یک سنجاب پنج‌ساله برای اولین بار در دنیا به‌وسیله دکتر بهنام غفارزاده، جراح چشم‌پزشک در تبریز. عکس‌های سیده مریم یوسفی

بعد از دیدن آن‌همه #سردیس‌های بی‌قواره‌بدون اصول وتخصص و هنر، چه لذتی داشت دیدن این‌همه هنر. هنری از مرتضی‌ارین

آزاده مختاری | خبرنگار

@azademokhtari

پروایم ورامینی | فعال توئیتری

پروایم ورامینی | فعال توئیتری

ابراهیم عزیزاده | سردبیر تجارت‌نیوز

@ebializadeh

روزى هم #نرگيس-جمهور به قاطعيت اعلام كرد: از فردا اضافه شدن اجاره‌بها در تهران بيش از ۲۵درصد و در كلان شهرها بيش از ۲۰درصد ممنوع است. ۳ماه بعد مركز آمار اعلام كرده است: در تاپستان امسال هزينه #اجاره-مسكن براي كل خانوارهايي كه تمديد قرارداد داشته‌اند، به‌طور متوسط ۴۱درصد افزايش يافته است.

هیچ‌گاه مجری برنامه ثابت دیگری نبود و فقط در ویژه‌برنامه‌های جام‌جهانی یا جام‌ملت‌های اروپا که در تابستان و هنگام تعطیلی ۹۰ می‌ساخت، به‌عنوان مجری حضور می‌یافت. عادل این روند را پس از تعطیلی ۹۰ هم ادامه داد و با وجود برنامه‌سازی در شبکه ورزش و ساخت تهیه‌کننده فوتسال ۱۲۰، هیچ‌گاه غیر از مقام تهیه‌کننده یا گوینده آیت‌مه‌ها، جلو‌دوربین نیامد. عادل حتی در برنامه‌های اینترنتی که به‌بهانه بازی ال کلاسیکو ساخت و میهمان سرشناسی مثل علی دایی هم در آن حضور داشت، از چهره‌اش مایه نگذاشت و اجرای «کلاسیکو» را به پژمان جمشیدی سپرد. خیلی‌ها این برنامه اینترنتی را نوعی قلق‌گیری عادل برای ساخت برنامه‌ای شبیه ۹۰ در شبکه‌های اینترنتی می‌دانستند؛ گمانه‌زنی‌ای که درست از آب درآمد و یک ماه پیش خبر ساخت برنامه‌ای با عنوان «نودونه» که به‌احتمال از نیمه‌های آبان‌ماه و با شروع لیگ برتر پخش خواهد شد، روی خروجی رسانه‌ها آمد. عادل فردوسی‌پور را در یک‌سال‌ونیم گذشته با در رقابت‌های فوتبال با تیم رسانه و تیم دانشگاه شریف می‌دیدیم یا در مراسمی که دوستانش به بهانه تولد یا سالگرد ۹۰ برای او می‌گرفتند یا در مراسم دریافت جایزه در جشن‌های سینمایی. اما باز هم روزه سکوت فردوسی‌پور درباره جدایی‌اش

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghshah@shahraranews.ir

داستان عادل فردوسی‌پور و شبکه۳، سیما، قصه عجیب و مرموز و البته جذابی است که بارها آن را مرور کرده‌ایم. از شکل کنارگذاشته‌شدن و جانشین او که بخش آشکار ماجرا هستند تا دلایل اصلی و آینده و برنامه عادل برای روزهای پیش رو که بخش‌های مبهم و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای قصه عادل و سیماست. خیلی‌ها سعی کرده‌اند این قصه را روایت کنند و هر کدام هم قصد و غرضی پشت کارشان نهفته بود، اما ۳ اصلی‌ماجرا که مدیران شبکه ۳ و خود عادل فردوسی‌پور باشند، همیشه ساکت بوده‌اند. هیچ‌وقت توضیح خاصی به‌شکل رسمی از شبکه ۳ یا مدیریت صداوسیما در این‌باره داده نشده و فقط یک‌بار خبر قطع همکاری و نامحتمل بودن بازگشت او اعلام شده است. عادل هم بعد از این اتفاق به یک سکوت طولانی فرورفت و اگر هم جایی حاضر می‌شد، هیچ‌گاه درباره دلایل رفتنش چیزی نمی‌گفت یا گله‌ای از کسی و جایی نمی‌کرد. او در تمام ۲۰سال برنامه‌سازی‌اش در تلویزیون فقط و فقط مجری «۹۰» بود و با وجود برنامه‌سازی در شبکه ۳ یا شبکه‌های دیگر،

روایت «عادل» از آنها که می‌روند_ آنها که دوست دارند بمانند



سازمان آموزش و پرورش

زندگی خصوصی

خانم «ب.ب.»

ایمان فروزان‌نیا
forouzannia@shahraranews.ir

روزنامه شهرامید ورزشکی

۳شنبه

۱۳۹۹-۰۷-۲۲

شماره ۳۳۷۵

گروهی از کاربران فضای مجازی همیشه دنبال سر در آوردن از زندگی خصوصی سلبریتی‌ها و حاشیه‌سازی برای آن‌ها هستند. این حاشیه‌ها گاهی با یک عکس رو فرته شروع می‌شود، گاهی با یک فیلم بی کیفیت از یک کافی‌شاپ و گاهی هم با تفسیر پست و نظرهایی که سلبریتی‌ها در اینستاگرام می‌گذارند. شایعه طلاق بهنوش بختیاری که دیروز جزو ترندهای فضای مجازی بود از این جنس است. بهنوش بختیاری، بازیگر سینما و تلویزیون، که در این چند سال با حضور در تبلیغ‌های عجیب، از برند عطر بگیر تا داروی کرونا، حاشیه‌ساز بوده است، چند شب قبل استوری‌ای با این شرح در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد: «بهای نگهداشتن یک زن کنار خود مهر است نه مهریه، زمانی که نه مهر است و نه عشق، خداحافظی بهترین کار است. همه مهر عالم به پای تو، ولی خداحافظ بی‌مهر من.» این استوری بلافاصله در شبکه‌های اجتماعی با تیتربهایی مثل «طلاق بهنوش بختیاری از همسرش، محمدرضا ارین» دست‌به‌دست شد. در یک چشم‌به‌هم‌زدن فضای توئیتر پر شد از جوک‌های رشت درباره زندگی شخصی و طلاق بهنوش بختیاری. چند ساعت پس از این شایعه، بهنوش بختیاری با تصویری جدید در استوری اینستاگرام خود به این ماجرا پایان داد و نوشت: «بنده از همسر جدا نشدم، لطفاً براساس یک شعر قضاوت نفرمایید. ضمن اینکه باردار هم نیستم عزیزان دل».

پس از این تکذیب، گروهی از کاربران به حمایت از بهنوش بختیاری پرداختند و از آن نوشتند که ما داریم مردم فضولی می‌شویم. این گزاره را باید در یک مطلب مفصل دیگر تقدوبررسی کرد، ولی در شکل گرفتن این شایعه خود بهنوش بختیاری هم بی‌تقصیر نیست. او خیلی وقت است که جزئیات زندگی خصوصی‌اش را با مردم به اشتراک می‌گذارد. بهنوش بختیاری تیرماه سال ۸۷ ازدواج کرد و زندگی مشترک را با همسرش، محمدرضا ارین، آغاز کرد. از آن‌موقع بارها در برنامه‌های تلویزیونی و با انتشار پست‌های متعدد در اینستاگرام درباره بی‌علاقگی همسرش به انتشار عکس در فضای مجازی صحبت کرد. خانم یازبگر در یک مصاحبه به مراسم ساده ازدواجش اشاره کرد و گفت: مهریه من ۱۴سکه بهار آزادی است و من با یک عقد محضری و خرید یک قرآن با جلد چرمی بسیار زیبا بدون هیچ حلقه، طلا و جواهر و پوشیدن لباس عروس و آرایشگاه‌رفتن، راهی خانه‌بخت شدم و زندگی مشترک‌م را آغاز کردم. بختیاری سال ۹۴ به‌عنوان بهترین بازیگر برای بازی در «محل گل‌وبلب» انتخاب و میهمان برنامه سه‌ستاره با اجرای احسان علیخانی شد. او در این برنامه از راز مادر نشدندش پرده برداشت و گفت که دیگر این شانس را ندارد که خودش صاحب فرزند شود. بهنوش بختیاری یک سال بعد گفت قرار است یک دختر را به فرزندخواندگی قبول کند، اما چند وقت بعد اعلام کرد که این اتفاق به‌دلیل ارتباط‌نگرفتن همسرش با بچه میسر نشد و خانم یازبگر فقط سرپرستی این دختر را در بهزیستی بر عهده دارد. یگانه، حنانه و مبینا ۵۳ختر خانواده بهنوش بختیاری هستند که او سرپرستی آن‌ها را بر عهده دارد. در چنین شرایطی و وقتی که یک بازیگر بارها جزئیات زندگی خصوصی‌اش را با مردم به اشتراک می‌گذارد، نباید تعجب کنیم که مردم هم با یک شعر بخواهند پازل زندگی خصوصی بهنوش بختیاری را کامل کنند.

معلم کاریکاتوربست شلاق می‌خورد!



دیروز محکومیت یک معلم به ۴۵ضربه شلاق با شکایت وزیر آموزش و پرورش و معاونش در فضای مجازی خیلی خبرساز شد و علت این محکومیت هم کشیدن یک کاریکاتور به‌وسیله معلم بود. آن‌طور که سایت خبری عصر ایران این موضوع را گزارش داده، صدور این حکم انتقاد تعدادی از معلمان را در پی داشته است. همچنین دیروز در شبکه‌های اجتماعی این انتقادها از سوی معلمان هم سروصدا به پا کرده بود. از زمان اعلام این حکم، شماری از معلمان سراسر کشور در ابراز هم‌دردی با معلم محکوم، در شبکه‌های اجتماعی آمادگی خود را برای تحمل ضربات شلاق وی اعلام کرده‌اند. بنا به این گزارش، جرم این معلم «توهین به مقامات» از طریق ترسیم کاریکاتور و انتشار آن در کانال تلگرامی بوده است. البته مشخص نیست که کاریکاتور کشیده‌شده چه بوده است، اما در دامانه‌ای که منتشر شده، نوشته شده است: «در یک کاریکاتور، پوشاندن پارچه‌ای شبیه به چادر بر سر آقای ترکمن...یار یا بیان عبارتی با عنوان آقای وزیر بر جان نیروهای سادی و جان خودتان در خطر است، تو را به خدا بفهم! یا موارد مشابه از این نوع» باعث شکایت وزارت آموزش و پرورش از این معلم شده است.

روزنامه شهرامید ورزشکی

۳شنبه
۱۳۹۹-۰۷-۲۲
شماره ۳۳۷۵

۱۳



روزنامه

۱۳

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه